

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرامی: اهل توحید همه ی آنچه در لحظه لحظه ی زندگیشان روی می دهد را از جانب الله می دانند همه از آن اوست و چقدر زیباست الله تو را بخواباند، الله تو را یقظان کند، الله تو را بگریاند، الله تو را بخنداند، الله نازت را بکشد، الله در آغوشت بکشد، الله تو را بالا بکشد، الله معشوقه کند، الله عاشقت کند و یک کلام الله تو را مثل خودش کند. استاد عزیزم به برکت انسان های کاملی که در اعصار مختلف، جهان به یمن وجود آنها برپا می ماند، قلب ما هم شروع کرده برای الله تپیدن برای الله گریستن برای الله خندیدن برای تشبه به الله، هرچند پای لنگان داریم و راهی به مدت «نمی دانم». زلفش هزار دل را به یک تارمویش، و راه هزار چاره گر از چهارسو بسته است. به فدای محمد، به فدای حسین، به فدای سلمان، به فدای اباذر، به فدای مولانا، به فدای انسان های کاملی که با لبیک گفتن امر حق، بستر تجلی نامتناهی شدند و سالک راه بودند و شدند راه، شدند راه برای امثال من راه شناس. استاد به تازگی به دنیای وجودی ما مولوی ای حنفی مسلک که به شرح مثنوی معنوی می پردازد، وارد شده است، طبیعتاً در بین صحبت هایشان مکرراً به روایاتی از بزرگان اهل سنت رجوع می کنند و اشخاصی را که در بین شیعیان مورد احترام نیستند را با احترام خطاب می کنند. بنده در این میان دچار تناقض نشده ام بلکه احساس نیاز می کنم که حتی در تمام آنچه که شما هم می فرمایید بازنگری کنم و خودم به تحقیق بپردازم و غرض از مزاحمت این است که چطور می شود در این تحقیقات بتوان بدون موانست با اهل سنت جانب حق را نگه داشت؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: دقیقاً متوجه سؤالتان نشده‌ام. اگر در رابطه با مولوی سؤال دارید مرحوم آیت الله حسین طهرانی در کتاب «روح مجرد» نکات مفیدی نسبت به مولوی و محی‌الدین مطرح کرده‌اند خوب است که آن کتاب را کاملاً بخوانید، در ضمن در مورد این سؤالتان نیز از آن کتاب استفاده نمایید. موفق باشید